

انقلاب اکبر خلق چین

در تاریخ انقلابات جهانی، انقلاب اکبر خلق چین رویداد تاریخی عظیمی است که به روند تکامل جامعه بشر در نیمه دوم قرن حاضر تأثیر بسیار بزرگی برجای گذاشته است. تکامل این انقلاب از آغاز تا به امروز نتایج بسیار آزرده است که در تاریخ انقلابات پرولتاریائی و در تاریخ ساختمان سوسیالیسم با خطوط برجسته ثبت خواهد شد. انقلاب خلق چین که در اکتبر ۱۹۴۹ به پیروزی رسید، تحولات شگرف آن، سرشار از آموزشهای گرانمایه برای خلق جهانی است که راه آزادی و استقلال می پیمایند و در پی آینده خود را بسزای همیشه از چشم ملی و طبقاتی برهانند.

غرض تضییع انقلاب اکبر، روسیه، مارکسیسم-لنینیسم را برای خلق چین به ارضان آورد، خلقی که تحت ستم امپریالیسم های گوناگون قرار داشت و روابط نیمه فئودالی مانند کامیون پروری آن بستگی میکرد. اکنون انقلاب چین است که برای خلق های انقلابی اندیشه مائوتسه دون، یعنی مارکسیسم-لنینیسم دوران حاضر را به ارضان می آورد. و به آنها نشان میدهد که انقلاب را از چه باید آغاز کرد، چگونه باید به ثمر رساند، چگونه باید پیروزیهای بدست آمده را حفظ و تحکیم کرد و چگونه امر را بسوی آینده درخشان گام بردارد. انقلاب اکبر خلق چین تبیین انطباق خلق و آفریننده مارکسیسم-لنینیسم بر شرایط مشخص جامعه چین است و راه و روش آن نیز در همین است. مارکسیسم-لنینیسم آنطور که برخی می پندارند مجموعه ای از احکام و نصوص برده و بیجان نیست که کما کفی است آنها را در آثار بزرگان مارکسیسم یافت تا بتوان هر معضلی را منجلی گردانید. کسی که چنین پند باشد مارکسیست نیست و بگفته رفیق مائوتسه دون، یعنی مارکسیست است. رفیق مائو برای آنکه انقلاب را به سر منزل مقصود برساند با کتاب پرستی و دکاتیسم در افتاد و آنرا درهم کوبید. تئوری انطباق خلق مارکسیسم-لنینیسم تکامل دانش پرولتاری است. انقلاب اکبر ظهور چنین شکافی است چه در دوران قبل از پیروزی انقلاب و چه در دوران ساختمان سوسیالیسم.

روشنی های شوروی پیوسته تحریکات خود را بر رخ میکنند، به کشورهای دیگر الگویی شوروی را عرضه میدارند. انقلاب خلق چین، الگو و الگوسازی را در هم شکست و خلافت و آفرینندگی راه مارکسیسم-لنینیسم بازگردانید.

فقط سوسیالیسم میتواند چین را نجات دهد و سوسیالیسم چین را رهائی بخشد، جمهوری تودهای چین از کشورهای بسته به امپریالیسم با مناسبات تولیدی کهنه زده شده به کشورهای شرقی با مناسبات تولیدی سوسیالیستی، با علم و تکنیک پیشرفته، با اقتصاد پر شکوه تبدیل گردید. اقتصاد متعادل، پررونق که نه بحران می شناسد، نه تورم و نه بیکاری، جمهوری تودهای چین طرفی اندکی بیش از یک ربع قرن به عقب ماندگی قرون خود پایان داد و اکنون در رتبه پیش افتاده ترین کشورهای جهان است. اخیر جمهوری تودهای چین هفتین ماهواره خود را بدور کره ارض گردش در آورده است و همه گنجانده اند که پرستان این اقیانوس به کره زمین ستیزم دانش و تکنیک مدرن است، ستیزم دست یافتن به صنایع پیش افتاده در تمام زمینه ها است.

دانشگاه های شگرف جمهوری تودهای چین در زمینه های صنعت، کشاورزی، علم و فرهنگ و هنر طرف مدنی، کوتاه، تئوری، نظام سوسیالیستی است که تمام مظاهر خلق چین را در شرایط مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و اقتصاد طبقه نقه بسوی تکامل سریع جامعه سوق میدهد. نظام سوسیالیستی با وجود جمهوری تودهای چین برتری خود را بر نظام سرمایه داری به اثبات رسانید. است. تجربه انقلاب چین همه مظاهر انقلابی مائو و کرامتهای آنها از جنبه های طبقاتی، از نظر عقب ماندگی در نظام سوسیالیستی است. خلق چین خود در گذشته زیر سیطره امپریالیسم و فئودالیسم قرار داشت. کشوری بود کم رشد و عقب مانده. از اینجهت شقات و مصائب و مشکلات خلق ها و کشورهای که را که اکنون به چنین سرنوشتی گرفتارند احساس میکنند، با آنها پیوند عمیق دارد. به آنها یاری میرساند تا به مشکلات فائق آیند. کمکهای برادرانه و بیجانیه جمهوری تودهای چین به خلقها و کشورهای کم رشد نشانده احساس عمیق اینترناسیونالیسم پرولتاری است. چین سوسیالیست برای خلق های انقلابی در لایق زندگانی است بر اینکه پیروزی آنها تنها ممکن بلکه مسلم است، دلیل زندگانی است برای آنکه خلق چنانچه در برابر استوار و مشکلات پاینده و پربرتری خوش تکیه زند دشمن را از دست باز نشاند و دشمن خیال ارضازند هد، پیروزی و کامیابی از آن اوت خواهد بود.

خلق چین طی رژیم کاپیالیستی درخشان و دستاوردهای فراوان گشایی سالهای پیش از پیروزی انقلاب و پیش از آن، هنوز از دستبرد دشمنان و اخلال و خرابی در امان نیست. در دوران کشور هنوز مبارزه طبقاتی با شدت از آنجا ادامه دارد. مبارزه علیه روسیسم، فئودالیسم، گت و بیجامعه کهنه، باعظای حفظ و بسط دستاوردهای انقلاب در تمام خلق همچنان در شمال کشور. این مبارزه هنوز طولانی است و ادامه خواهد یافت. ضمن این مبارزه طبقه کارگر در یگانگی خود را استعمال می بخشد و رهبری خود را از دست میدهد. برقراری ساز و تولید را به پیش میراند. کارگران و دهقانان چین، این سخن رفیق مائوتسه دون را پیشینه خود نمائند: «انقلاب اکبر و تولید را به پیش روندن». طی ده سال گذشته یعنی از آغاز انقلاب اکبر فرهنگ پرولتاریائی تولید در تمام زمینه ها، توانها علم و تکنیک، هنر و ادبیات به قدر ارجح مالتیری ارتقا یافته اند. کارگران و دهقانان چین

احیاء حزب طبقه کارگر مقدمترین وظیفه کمونیست ها

روشنی روسیسم که بخش بزرگی از جنبش کمونیستی را در کام خود فروزد، طبقه کارگر ایران را نیز از حزب سیاسی خوش خبرم کرد انید. و این یگانه تئوری تلخ خیانت با آن نبود، در نظریه جنبش کمونیستی در سرانسیب روسیسم گمراهی و سردرگمی عمیقی بوجود آورد و جنبش کمونیستی را کمونیستد در راه احیاء حزب طبقه کارگر گام برد، از پیروزی و مبارزه را در پیروزی حزب لیسانس طبقه کارگر امد هند و به کجراه و بیراهه برد. با کمال تأسف باید گفت که هنوز هم پس از سالها محبت و ایجاد له گروههای به اهمیت وجود حزب طبقه کارگر و نقش آن بی زبرد ماند و هنوز هم فعالیت انقلابی آنها بر راه در ریت نیتقاد ماست و شکست تزانیکه همه این کجروپارایحیای مارکسیسم-لنینیسم خلاق و بحساب انطباق خلاق در این پرولتاریا بر شرایط ایران میگردد راند.

خلافت مارکسیسم-لنینیسم در رفی یاد و یافتن اصول و احکام عام آن نیست، خلافت مارکسیسم-لنینیسم بمعنی تعویض آن با انحرافات نظری کاستریسم یا نظائر آن نیست. خلافت مارکسیسم در انطباق صحیح اصول و احکام آن بر شرایط مشخص ایران است و انطباق صحیح مارکسیسم-لنینیسم بر شرایط ایران قبل از هر چیز ستیزم وجود حزب طبقه کارگر است. حزب طبقه کارگر را به هیچ عنوانی نمیتوان تقی کرد یا کوشش برای احیاء آنرا متعویق انداخت. مبارزه علیه پرولتاریا قبل از هر چه یک مبارزه سیاسی است و مبارزه سیاسی با وجود حزب طبقه کارگر مملوزه دارد. حزب ابزار مبارزه سیاسی است.

ما از کارگران نگه خسته نشویم که مبارزه انقلابی در تمام اشکال آن، و مبارزه مسلح، ادامه سیاست به شکل دیگری استم از هر چیز زنده، روزه سیاسی است و مبارزه اقتصادی است که میتواند واقعیت موجود را به یک مجموعه واحد پرولتاریا گرداند و تماس با توده های کارگر و دهقان را برپا دارد، در هر جا و در هر وقت که مبارزه برای در هر شکلی از آن که باشد، در روشی بزرگ تعداد بدین ترتیب گام به گام مبارزه را با موفقیت به پیش برد، تا گامی نماند و تلفات را بعد اقل تخفیف دهد. بدین چنین ستادی مبارزه از صورت خرد نگاری میروید نخواهد آمد و در نتیجه صحیح نخواهد افتاد. البته در شرایط ایران، در شرایط فشار و اجتناب خلقی عام، کار احیاء حزب طبقه کارگر گام نخست است. در همین شرایط این شیوه های سازماندهی، طایفه کاری ساخته نیست، باید جنبش مبارزاتی را بر شرایط موجود پیرو، های فنی یافت، شیوه های نوین سازماندهی شیوه های نوین تعاریف و ها، شیوه های نوین رهبری مبارزات آنها، مشکل اساسی درست دریافتن این شیوه های نوین و در بکار بردن آنها است. در واقعیت این مشکل ضرورت باری، سرخوردن از ناگامی، دقت و هوشیاری از ضروریات است. کتاب وی تالی جزئیات و کجروپارایحیای مبارزه، این مشکل بدین شک گشودنو است و احیاء حزب طبقه کارگر را تلاش کمونیستهای انقلابی امری محتوم احیاء حزب طبقه کارگر مملوزه، یعنی در تاریخ جنبش کارگری دوران رژیم کودتا است، مرحله ای که به دوران خود روش مبارزه پایان می بخشد و به آن خصلت بقیه رصفه ۳

رژیم دموکراتیک توده ای جای رژیم پیدادگر کودتا را خواهد گرفت

سراب « تمدن بزرگ »

پنجاه سال حیات و دو دهه مان پهلوی وضع ایران را به روشنگری کامل کشانده است، روشنگری در تمام زمینه ها، در تمام شئون اجتماعی، در کشاورزی، در صنایع، در فرهنگ، در اخلاقیات و در سیاست خارجی. چنین خرابی و پریشانی طی دوران پنجاه ساله هرگز سابقه نداشته است. البته وقتی کشوری در دست در گردونه نفوذ امپریالیسم افتاد، وقتی امپریالیسم امکان یافت که با استفاده از مساعدترین شرایط، به بهترین وجه در شئون اجتماعی کشوری رخنه کند و وضعی به از این نمیتوان انتظار داشت.

در تاریخ پنجاه ساله دو دهه مان تنگین پهلوی کودتای ۲۸ مرداد نقطه عطفی در زندگی کشوری ماست. امپریالیسم آمریکائی که در تمام زمینه ها، به ویژه نفت و به موقعیت استراتژیک مهم ایران چشم دوخته بود با صرف طریقه های لاریه است عمال ایرانی خود که تمام امور کشوری را در دست آنها سپرد، سلطه خود را بر ایران برقرار ساخت و از آن پس ادامه بقیه رصفه ۲

تبریک به حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا

بکمیته مرکزی حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا رفقای گرامی

اجازه دهید همین سال احیاء حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا را به شما رفقای گرامی و از طریق شعبه های اعضای حزب شما صمیمانه و برادرانه شاد باشم بگویم.

احیاء حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا، در شرایطی که حزب کمونیست ایتالیا از طبقه کارگر روی گردانیده و به آرمانهای طبقه کارگر خیانت ورزیده است، برای پرولتاریائی ایتالیا یک واقعیت پراهمیت و تاریخی است. حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا طی ده سال گذشته، در روشنی روسیسم در سطح ملی و بین المللی، در دفاع از مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری، در سرسج و متشکل ساختن پرولتاریا و توده های زحمتکش ایتالیا با خطاط مبارزه در میان طبقات در میان رژیم ارتجاع و امپریالیسم پرولتاری آمریکا و سوسیالیسم امپریالیسم روس، در دفاع از مبارزات خلقهای انقلابی و لاریه در نتیجه بد ساختمان حزب طبقه کارگر کاپیالیتهای فراوان و درخشنا بدست آورد ما است. موفقیت های شما موفقیت های همه جنبش مارکسیستی-لنینیستی است و لذا نمیتواند مایه خرسندی همه مارکسیست-لنینیست ها و از آنجمله همه اعضای سازمان ما نباشد. ما یقین داریم که حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا در آینده نیز مانند گذشته با همه مشای مارکسیست-لنینیست-پرولتاریائی خود، به موفقیت های تازه و درخشانتری نائل خواهد آمد و پرولتاریا و توده های زحمتکش ایتالیا را از زیر نفوذ روسیسم بد رخواهد آورد و متشکل خواهد ساخت و گام به گام بسوی پیشرفت رهنمون خواهد گردید. ما از صمیم قلب چنین پیروزی خالی را برای شما در قاف آرزو مییم.

رفقای گرامی

تأزیمان ما از همان روزهای نخست تاسیس خود و در شرایطی بسیار دشوار همیشه از تک های فانی به ریخ و برادرانه شما برخوردار بوده است. انتظار داریم از این فرصت استفاده کرده باری بگر از ابتدائی که تنها ابزار دانشماید و از تک های برادرانه ای که هرگز از ما دریغ نداشتید و اکنون نیز تریخ نمیدارید از شما صیقا و صمیمانه سپاسگزاری کنیم.

بوفی باد حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا! افراتشهاد بر همه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

احیا... بقیمت از صفحه ۱
 امروز طی رزم ادبیایی پایه دارودسته "کیمته مرکزی" شرایطی
 مبارزه انقلابی وجود دارد که بصورت ناراضی شدید توده های
 مردم و مبارزه آنها علیه رژیم کودتا ظاهر میگردد. آنچه که فقدان
 چشم میخورد عامل ذهنی است. فقدان عامل ذهنی و
 فقدان حزب طبقه کارگران ایران، سالها است مبارزه توده های
 مردم را بصورت مبارزه های پراکنده، غیرمتشکل و خودرودرآورد
 است. تنها حزب طبقه کارگر - حزبی که واقعا شناخته شده است
 نام باشد - میتواند به این دوران ناسامان پایان دهد و
 مبارزه خلقهای ایران را در مسیر صحیح رهنمون شود.
 سیاست حزب انقلابی طبقه کارگر باید بر اساس واقعیت

موجود تدبیر و بصورت اجزای کوچک و بزرگ و در تدبیر سیاست
 هیچگونه خیالمانی جایز نیست. واقعیت اینست که رژیم کونسی
 عامل انقیاد خلقهای ایران است، عاملی است که با ابطال فشار
 و توریسمانندی شرایطی حیاتی کشور ما را به امپریالیسم و بهرزه
 امپریالیسم آمریکا سپرده است. اگرچه شاه برای حفظ رژیم خود
 هیچ امپریالیسمی را و از آنجمله سوسیال امپریالیسم شوروی و افکار
 آنرا نیز از خون بیغای شریکهای پهن مایه نصیب نگذارد ماست -
 دولت سوسیالیست مثل با آنکه رسوائی ساواک را در کشور خودش میدهد
 معذک بر آن سرپوش میدهد. از این جهت نمایندگان این ایدئولوژی
 لطمه وارد آید سوسیالیسم شوروی بر کشور ما امپریالیسم آمریکا است.
 امروز فقط سیاستی در جهت سرنگونی رژیم کودتا پایان دادن به

انتخاب در دوره... بقیمت از صفحه ۲

کروگدانت و با خواست و رضا از کارگران خواست از طرف کارگران که تا او وجود غیر قانونی بودن انتخاب و خواسته ها از کارگران تا کند باز
 هم حقوق آنها را اضافه نماید. این جزئی نیست بندان ظاهر را محسوس نمیشود زیرا آنها در تیره تیره حزب طبقه کارگر است که از جرحه شعله بر می خیزد.
 تنگانی به مبارزات جمعی و خود بخود گذشته کارگران معادن امیرآباد

۱/۱۶/۲۴ نامه کارگران به اداره کار - نماینده مارا از کارگاه اخراج کرد باند چنانچه او را تا ۱/۶/۲۸ بگزارند بگردانید
 انتصاب خواهیم کرد

توضیح - انتخابات نماینده کارگران معادن امیرآباد در تاریخ ۱/۵/۲۵ برگزار و طی آن یک راننده بولدوزر که کارگری
 صمیمی و صادق و آشنا به قوانین کار بود به اتفاق آرا بعنوان نماینده اصلی برگزیده شد کارگر فوق العاده بومی نبودن دوست خوب
 کارگران و مورد قبول عموم آنان بود.

در این انتخابات کارگری محلی که از بدو اکتشاف فلز در این منطقه غلام حلقه بگوش مالک بود و حتی یکی از تولهها به اسم
 او نامگذاری شده بود با اکثریت کار بجنون سرپرست کارگران تعیین با معبودی را بعنوان نماینده طی ایدل انتخاب کردید.
 نامبرده مورد نفرت عموم کارگران بود که او را جاسوس مالک می نامیدند. پس از انتخابات نماینده اصلی که شناخت و قبی از قوانین و مقررات
 کار داشت بلافاصله با امکانات بی گیر خود خواسته های کارگران را بگوش مسئولان مربوطه میرسانید و از سوی دیگر اقدامات خود را بتمام
 خواسته های کارگران را توسط مسئولان امیرآباد کارگران در میان میگذاشت از اینرو همزمان با افزایش محبوبیت او میان کارگران خیم
 کارگاه هم افزین میشد و به منجبت داند در آزار و انتقال آید کارگاهی دیگر بودند.

۱/۸/۱۰ ارسال نامهای با اعضای کارگران به اداره کار منطقه - مفاد نامه حاکی از ناراضی شدید از مسئولان کارگاه
 است که کارهای شاق و خطرناک را به کارگران ناراضی محوله میکنند و با این کار در صدد خفه ساختن ناراضی کارگران بحساب
 خود در نطق هستند. کارگران صریحا نوشته اند در صورت عدم رسیدگی به خواسته های مشریمان انتصاب خواهیم کرد. در این
 نامه تشکیل سند بگانه در خواست شده است.

۱/۱۰/۵۱ - اخطار حضوری نماینده اصلی به رئیس اداره کار - چنانچه خواسته های کارگران فوراً برآورده نشود آنان در
 به اعتصاب خواهند زد.

۱/۱۰/۵۱ - اعتراض جمعی کارگران به نحوه حضور و غیاب - گزارش اداره کار محل به ساواک وزارت
 کار مبنی بر آماده شدن کارگران برای اعتصاب. ۲/۵/۲۴ نامه کارگران به اداره کار - ما است که از نماینده خود خبرند ارم
 ۲/۵/۲۴ الصاق متن استعفا نماینده اصلی در تابلو اعلانات کارگاه.

توضیح - در تاریخ ۲/۳/۲۶ بر اثر فشارهای همگانه نماینده اصلی کارگران را وا از عضویت استعفا میبایست. برای توجه
 این استعفا مسئولان امورس وزارت معادن برای او خسارت اخراج از کار فرمایند تا بدینوسیله از یکسوا و تطبیع و از طرف دیگر
 کارگران را نسبت به او بدین نمایند. متن استعفا را با کلمات - با تقاضای شخصی و به علت گرفتاری خانوادگی به او بیکه میکند، ناکفته
 نماند که در تمام این جریانها رئیس اداره کار بنا بر ماهیت ارتجایی خود و توصیه مستقیم وزیر کار ششمین بی چون و چرای کار فرما بود و
 مقامات ساواک و انتظامی نیز شدیداً مانع ورود نماینده اصلی کارگران به محل کارگاه و حتی اقامت او در شهرهای مجاور میشدند.

۲/۶/۲۱ - اعتصاب در روز کارگران - غروب روز اول نمایندگان اداره کار، استانداری، ساواک و فرمانده وانداری
 بخش هیرا کامیونهای سباز در محل کارگاه حاضر و ضمن محاصره کارگران، ارتباط و تهدید را با برنده و نوبد چاشنی کرده و کارگران ضمن
 ابراز ناراضی شدید از رفتار مسئولان کارگاه با اصرار خواستار بازگرداندن نماینده خود میشوند و استعفا محلی او را
 نمی پذیرند. قسمتی از گزارش نماینده استانداری مینانند میشود: در ساعت ۷ صبح ۲/۶/۲۴ در اجتماع... نفری کارگاه حضور یافتیم
 ضمن تبادل نظر با شش تن نماینده کارگران آنها را تشویق به ادامه کار نمودیم... ششصد نفر کارگران واحد بعلت آشنایی به قوانین
 کار برای رفاه بیشتر حال خود در تلاش میباشند و لازم است از طرف اداره کار امیرآباد جمعی حد اقل یکبار برآید برای بیشتر و
 آشنایی بین صحیح کارگران به مسائل کارگری نمایندگان به این کارگاه اعزام و با تشریح قانون کار در جهت خواسته های مشروع آنها
 اقدام نمایند. حداقل دستمزد کارگران به هشتاد ریال افزایش یافته ولی کارگران با سابقه که در زمان افزایش حقوق هشتاد ریال میگرفتند
 اند دستمزدشان ثابت باقی مانده است، این درجه از کارگران تقاضای افزایش دستمزد به همان نسبت را دارند کارگری دیدم با هشت
 بچه و ده سال سابقه کار با دستمزد روزانه... بیست و پنج ریال شایسته است ده ریال به حقوقی اینان اضافه کنند. به نظر اینجانب این گفته سرهنگ
 فرخی نماینده اعزامی کارفرما که (با ماهیتی تعدد ادبی از کارگران شمرده را برای صبر و دیگران اخراج نمود و با کار فرمایان که بر است کار معنی
 را تعطیل نماید) خشونت مسئولان شرکت را نشان میدهد. محیط کارگاه خشک و بیروح است، نصب سه دستگاه تلویزیون در نقاط
 مختلف برای سرگویی کارگران لازم بنظر میرسد. در حدود سه هزار کارگر و خانوادگی ایشان در کارگاه زندگی میکنند که بعلت بعد
 مسافت و عدم امکانات به پزشک دسترسی ندارند. کارگاه هم ظاهر پزشک و نرس میباشند. این است قسمتی از فرمایشات اصلاح -
 طلبانه نماینده استانداری بنابه روایت شخص فوق الذکر، اقداماتی که باید صورت میگرفت عبارت بودند از: ۱- فرارشد جای توزیع
 آب بوسیله تانکر و شیر آب برداشت صوبی نصب شود. ۲- حمام بائین سه روز در هفته روشن و برای کارگران آماده شود. ۳ -
 سند بیکای کارگران تشکیل گردد. ۴ - در صورت امکان مسکن کارگران افزایش یابد. ۵ - استاد کاران و سرپرستان با کارگران خوش رفتاری
 نمایند. با این قول و قرارها که علاوه آنها روی گفته باقی مانده خواسته اصلی کارگران یعنی بازگشت نماینده اصلی کارگاه مطرح کردید

۲/۳/۲۵ - اعتصاب بگروز کارگران - مدیر کارگاه گزارش میدهد: در پیوساعت ۲ بعد از ظهر کارگران از ادای بویاران شنیده
 اند که بدستور شاهنشاه باید معادل یکماه حقوق از سود روز به کارگران پرداخت بشود از اینرو کارگران از تارگری کامیونهای خود اداری نمودند
 و حاضر به کار کردن نمیباشند. با زهم عوامل ساواک، اداره کار، نیروی انتظامی روانه کارگاه میشوند و صرهما نیز رئیس اداره کار میگوید
 چون شما کارگر معدن هستید نه تولیدی مسئول فرمایشات اعلیحضرت نمیشود. بدینحال این اعتصاب کار فرما و نفر را اخراج و شائزده
 نفر را بعنوان محرک به ساواک معرفی میباید، ظاهراً مسئله فروکش نموده و این بار هم اعتصاب سرکوب میشود تاریخ چهارم اردیبهشت
 سال جاری که جرقهای دیگر بارور میگردد ولی اینبار نیز بعلت فقدان رهبری خاموش گشته و خاکستر میشود. ما باید انیم گفتوگوها و مبارزات
 طبقاتی خود بدینال شکست باز هم شکست بالآخره به پیروزی دست خواهیم یافت. با اکثریت نفوذ حزب طبقه کارگر به
 تمام واحد های کارگری، به تمامی روستاها، انقلاب ظرفنون طبقه کارگر ایران همانند ستمداران خاکستر خود پدید خواهند شد.

کارگاه ریش خود را
 زادی و استقلال را جایز نمیدانند و در هر دو جهت استقلال و باید به استقبال این
 خواست رفت. سوسیالیست امپریالیسم شوروی و بدینال آن
 در دوره است. آنها اکنون میزبان تانکیست سرنگونی رژیم را
 در دفاع و پشتیبانی غلطی از رژیم شاه از نظر توده های مردم محکوم
 و مردود است. آنها اکنون میزبان تانکیست سرنگونی رژیم را
 پیش گرفته اند تا از این طریق خود را به طبقه کارگر و خواستار
 زادی و استقلال را جایز نمیدانند و در هر دو جهت استقلال و باید به استقبال این
 طبقه کارگر باید ماهیت این دشمنان خلق را که انقیاد دیگری را
 برای مردم ایران تدارک می بینند افشا کند، ماهیت سوسیالیست
 امپریالیسم و ستون پنجم آنرا در ایران برملا سازد و توده های مردم
 را به خطری که از این سوی آنها را تهدید میکند واقف گردانند.
 اهمیت احیا، حزب طبقه کارگر در دوره ایران بیغین از
 نظر آن رفقای کدو شریک در شمار رژیم شاه به این کار میخوانند
 پوشیده نیست. آنها بدین آنکه تانکیست شوروی را از دست
 بد هند و سنجد بد کار شتاب کنند. بدین آنکه حتی لحظاتی
 در مسائل و نطق های سازمان سپاهکار امنیت را از نظر در دیدار
 و از مراعات اکتد پنهنانگاری و اصول سازماندهی مخفی قابل بدانند
 بخوبی میدانند که در راه رشد جنبش کارگری ایران، در راه گسترش
 دامنه مبارزه آگاهانه و متشکل خلقهای ایران این منزل باید هرگز
 سرعتر، هر چه زود تر طی شود.
 سالهاست عدم رضایت توده های مردم از رژیم کودتا
 بصورت تبارزه علیه رژیم نظامی میگردد. مبارزه در کارخانه، در راه
 در دانشگاه، در مساجد، در خیابانها، علی رغم تشدید بیابان
 توری و اختناق مبارزه انقلابی روز بروز دامنه و شدت بیشتری میگردد
 اعتلا جنبش انقلابی ایران از هم اکنون احساس میشود. کمونیست
 باید کار اجتناب از حزب طبقه کارگر با سامان برسانند تا با آمادگی
 کامل اعتلا جنبش را پذیرا شوند.

سراب... بقیمت از صفحه ۲
 خرفه های برابرجان
 و ماله و ناموس مردم سلطه ساخته اند.
 شاه از پیروی بگزاران بخواهد و ده میدهد و بالاخره
 وده مایه ای میبخواهد برای چاشنی کوش هم بجهتدی ایجاد
 نمیکند. او وده میدهد که طرف چند سال چنین و چنان خوا
 کرد و کشور ایران چنین و چنان خواهد شد. بود منقسی میشود
 و دهان زوی هوایمانند و حتی وضع جایز شرفت روی بقرایرود
 آنگاه شاه شاهانه وده های تازیبی میدهد.
 بیش از ده سال پیش وده دار که بیسوانی طرفی به
 سال از جامعه رخت برمیکنند. ده سال گذشت، بیسوانی
 بجای آنکه ریشه کن شود دامنه یافت برتعداد بیسوانان افزود
 شد و این واقعیت چنین عریان است که در چشم خود او وخواهر
 او نیز فریب خورد. حال وده ۱۲ سال دیگر آمدند. کسی که
 در مای شرم و حیا ندارد و فاحت او هم حد و سرزنی شناسد.
 اخبار شاه باز توقعی بدست آورد که از آینده ایران
 حرف بزند. در مضاعفه با نماینده تلویزیون در امارک گفت:
 اگر همه چیز مانند امروز شرفت داشته باشد ظرف ۳ سال آینده ما
 به مرحله ترقیات امروزی اریا دست خواهیم یافت. به اریای امروزی
 خواهیم رسید پس از یک سال، میگویم ۲۵ سال بعد تا یکی
 از کشورهای توسعه یافته جهان خواهیم بود. همان روزی
 برجسته لاتی قرار خواهد گرفت (کیهان هوانی، شماره ۱۳۵، ۱۳۵۷)
 اگر خانه آن نهنلوی برجای بیاند و همه چیز مانند امروز
 پیشرفت داشته باشد میتوان با اطمینان و ایلان کامل گفت که
 پس از ۱۲ سال این کشور ما بر تانب تیر تراز امروزی خواهد بود. بوناما چنانچه
 همه چیز مانند امروز پیشرفت داشته باشد، چیزی نخواهد گذشت
 تاریخ شاهزادگان نهنلوی را در زیر گردن خود بخورد و له خواهد کرد.

عنوان: مکتبات
 X. DR. GIOVANNA GRONDA
 87.030 ARCAVA CATA (CS) ITALY
 آدرس بانکی
 X. DR. GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17.679.211
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO ITALY

سوسیال امپریالیسم شوروی را بشناسید و ب مردم ایران بشناسانید!

درباره ماهیت شرکتهای سهامی زراعی

اعتصاب دوروزه کارگران معادن (فلز امیرآباد)

معادن امیرآباد با رنگهای بسیاری فلز از ابتدای اکتشاف تاکنون مشابه ملک مطلق یک سرمایه دار معروف بوده و بطرز بی وجهیانه غارت شده است. شخص و بجهت نفر کارگر معادن و این واحد همواره تحت سختترین شرایط اینی لیبند اشتی کار کرده و درین طول ماهها قربانی دانه، بیشترین تولید را در اختیار کفین دستمزد را دریافت کرده اند. آنها از هرگونه امکان رفاهی محروم بود و همواره در معرض بیخوشانه ترین و وحشتناک ترین نوع استثمار قرار داشتند ولی این استثمار شدیدی و از جان ناپه گذاشتن معنی و تحمیلی تقهاری و بی مبارزاتی آنها را تضعیف نمود بلکه تحت هیچ شرایطی وضعیت موجود را برنوشست تغییر ناپذیر و ابدی خود نیانگاشته و در فرصتهای مناسب خشم و نفرت طبقاتی خود را نسبت به سرمایه داران خون آشام و بیعت حاکم پشیمان آنان نشان دادند. این گزارش آخرین اعتراض شکره مند آنان را تصور میکند.

بدنیال مبارزات دیگر کارگران سرانجام را و آخر فروردین ماه سال ۱۳۰۰ حد اقل دستمزد روزانه آنان از ۱۰ تا ۲۰ ریال افزایش یافت. روزهای چهارم و پنجم اردیبهشت ماه دو روز فراموش نشدنی معادن امیرآباد. ایام اعتراض جمعی به کی افزایش حقوق درخواست دریافت معادل یکماه حقوقی عنوان پاداش بود. کارگران این واحد به مدت یکماه کارمحل چنین التیما بود. این بود که کارگران معادن امیرآباد که در دل کوهها و در این نقطه دور افتاده کاریکنیم و در شرف مالک میافزاییم و با کار خود به بیمنان خدمت میکنیم نباید خود از نعمت زحمتمان محروم باشیم و در صورتیکه سیاه افزایش حقوقمان ظرف ۱۰ روز عواقب نشود دست از کار خواهیم کشید همین التیما بود که مسئولان را با توجه به سابقه مبارزاتی کارگران این واحد دچار دستچاکی نمود و ضمن تمایسهای مکرر بسا وزارت کار و مالک معادن نفوذ دستمزد کارگران ۳ تومان افزایش یافت. ظهر روز اول اعتصاب نمایندگان ساواک و اداره کار و فرماندهی وادع ازمی بخش در محل کارگاه حاضر شده و در برخورد با خشم و عصبان پرشور کارگران با حالتی طعنه و محافظه کارانه شروع به نصیحت و ارشاد آنان نمودند. ارشاد می نمودند که سابه کامیونهای سرانازان متعلق و مجبوز اما کارگران محکم و قاطع خواستههای مشروع خود را بیان نمیدانند. اعتصاب کارگران را بیش از پیش بهم نزدیک ساخته و تعطیل کارگاه فرضی بود برای آنان تا نحوه استثمار خود و چپاول بی حساب سرمایه دار معروف را مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند. روز دوم هم مقامات مسئول انتظامی پروال روز قبل در اجتماع کارگران حاضر شده و این بار رئیس اداره کار ضمن مخالفت جدی وزارت متبوع با افزایش بیشتر حقوق کارگران با صراحت کامل اعلام داشت که افزایش حقوق شما افزایش حقوق کارگران معادن دیگر آقای مالک را بدنیال خواهد داشت و افزایش حقوق آنان نیز به نوبه خود توقعات کارگران واحد های دیگر را سبب خواهد شد و این امر ترم را دین خواهد زد و این هم غیرقابل قبول است. بنابراین اعتصاب شما غیرقانونی است. پاداش وجهی هم که در قانون کار اصلا پیش بینی نشده ضمنا آقای مالک نیز فرموده اند: هرکس مایل نیست با این حقوق کار کند سلامت ما کارگر کردی عراقی پانده از کانی برای معادن امیرآباد در نظر خواهیم گرفت. کارگران بار دیگر با رگ و پوست خود پشیمانی بی چون و چرای عمال هیئت حاکمه را از سرمایه داران و استثمارگران لیس میکردند و این ننگ را حسن ترهای سرد و گرم چشیده به جواترها نجوا میکردند. ناگفته نماند که این فرمایشات با تهدیدهای به سلسله بستن و به دریا ریختن و از ایران بیرون کردن کارگران سرکش همراه بود. اما جنبش خود بخودی کارگران غیرمطمئن فد ان رهبری حزبی هر لحظه اوج می گرفت و بهم آن میرفت که سرانازان این مزدوران هیئت حاکمه بینه های کارگران را هدف گولسه گرم خود قرار دهند. در این هنگام نماینده ساواک منطقه به بند و مظهر لخت ازی سر برست ماند و زن و بچه کارگران گفت و گفتند از آنکه در شان آنان دار صورت تسلیم. مدیر بقید صفحه ۳

نقطه های مشترک امیرالیم بانکی و دیگران جزو خوارش ناز ایران بنظر وزارت هر چه بیشتر و تشریفات طبیعی کشور را کسب کرده و بی نهایت صلاخ اصلاحات ارضی و انواع واقسام ملی کردن ها گردید، یک سلسله اقدامات و توطئه های جنسی نیز همراه داشت که ما در این مقاله به یک نمونه از آن یعنی شرکتهای سهامی زراعی اشاره میکنیم.

- با اصطلاح شرکتهای سهامی زراعی زائده های امیرالیم هستند که در نقاط مختلف ایران بطور عمده توسط سرمایه دارانی رسا مدیستت بورکراتیک ایجاد شده اند. امیرالیمت ها توسط رژیم منفور کودتا از ایجاد چنین شرکتهایی هدفهای زیر را دنبال میکردند:
- ۱- تمرکز روستائیان برآکنده در یک نقطه بنظر تحکیم مانی کنترل آنها.
 - ۲- پروار کردن قشری از روستائیان بنظر ایجاد قشر بوروازی دهقانی، با در حقیقت ایجاد قشر محافظ ضافع رژیم در روستا.
 - ۳- از میان برداشتن تولید کوچک خودمالکی و تبدیل آن به مالکیت های بزرگ امیرالیمتی.
 - ۴- ایجاد بازاری برای "حقه" کردن ماشین آلات و کالاها امیرالیمتی.

اساس ایجاد شرکتهای سهامی زراعی را باستی در تجربیات تلخ و ناگام امیرالیم بانکی در برخورد با امواج وسیع و عسقی انقلابی خلق های هند و چین - بوزره ویتنام - جستجو کرد. در همان هنگام اوج گیری جنبشهای انقلابی توده های ویتنام، در هنگامی که امیرالیم آفتابش رو به افول بود و برای نجات خود به هر رذالت و هر خیانتی دست میزد، "سیا" این چماق کثیف امیرالیم برای برهم کوبیدن جنبشهای خلقی ویتنام آخرین تیرهای خود را در ترکش نهاده و پراکندگی روستائیان و پراکندگی روستاها و اوضاع حالت خفقان آمیزی برای ضد انقلاب بوجود آورد. یک شهر آشوب زد را با آسانی میشود با چندین بمب ناپالم با خاک یکسان کرد ولی با هزاران دهکد میراث که هرگز ام یک کاتین انقلابی بود چه میشود کرد؟ "سیا" در آن هنگام برای کنترل دهقانان مبارز و انقلابی دست به ایجاد دهکده های بنام "دهکده های استراتژیک" زد. امیرالیم بانکی با خود ش حساب میکرد که ایجاد صنوصی چنین دهکده هایی با صد ها و گاه هزاران خانوار دهقانی و اسکان آنها و تهیه حداقل امکانات رفاهی و خدمات البته مخارج زیادی در بر خواهد داشت، اما چه باک، چنین دهکده هایی هم راحتتر کنترل میشوند و چون محصور هستند راحت تر هم میشود در صورت ایجاد تاراجی با خاک یکسان شان کرد و از سر آنها راحت شد. ولی "سیا" فقط یک گوشه کوچک را ندیده بود. "سیا" نمیدانست آنجا که خلق بلند میشود هیچ نیروی درجهان نمیتواند آنرا نابود کند. تجربه انقلابی خلق ویتنام یکبار دیگر این واقعیت را نشان داد و چهیره کثیف و منحوس امیرالیم باز هم بیش از پیش رسوا گردید و یکبار دیگر اثبات رسید که امیرالیم با همه بوق و کرناش جز "بهرگندی" چیز دیگر نیست.

اما "سیا" از این تجربه زهر آکنید گرفت و با اوج گیری جنبشهای ایران پیش از موعد دست به توطئه زد. "سیا" میدانست که در پرواز اینها و آنجا مخصوص بنظر "توقان" ویتنامی های دیگری جوانه خواهند زد. "سیا" بنظر پیشگویی و عقب انداختن امر انقلاب خلقهای ایران با استفاده از تجربیات ناگام ویتنام برای از میان بردن پراکندگی روستاهای مانوطه های زیر راطرح ریزی برای اجراءه سگهای زنجیری اش سپرد:

- الف- ایجاد شهرک های روستائی ب- اسکان عشایر و قبایل ج- ایجاد شرکتهای سهامی زراعی
بحث در زمینه چگونگی اسکان عشایر و قبایل و تصاحب جنگل ها و مراتع و معادن و غیره - و نیز چگونگی ایجاد شهرک های روستائی خود به مقاله دیگری احتیاج دارد.

هدف تمرکز روستائیان بنظر کنترل دقیق آنها از نظر امیرالیم بانکی در حقیقت یک هدفی استراتژیک بود. ولی این هنوز تمام آن چیزهایی نبود که امیرالیم میخواست. قصد دیگر امیرالیم بانکی آن بود که نیروهای مستقر در روستا را قطعی کند و پایگاه طبقاتی رژیم را در روستا مستحکم سازد. و بهین دلیل بود که پس از ایجاد شرکتهای سهامی زراعی در مناطق مورد عمل در وقت - یا بهتر بگوئیم در طبقه - روستائی شکل گرفت: ۱- بوزوازی روستائی ۲- پروولناریای کشاورزی

عواملی که در تشکیل شرکتهای سهامی زراعی چنین است که دولت روستائیان چندین ده دور و نزدیک را "وادار" میکند که زمینهای خود را به "شرکت سهامی زراعی" واگذار نمایند. این دهقانان به نسبت زمینی که به شرکت واگذار کرده اند در شرکت سهامدار خواهند بود و به نسبت سهام خود سود شرکت میان آنها تقسیم خواهد گردید. سهامداران میتوانند سهام خود را به دیگر اعضای شرکت بفروشند. اداره امور شرکت در دست هیات مدیره است که از سهامداران خود شرکت انتخاب میشوند و مدیریت عامل شرکت را نیز معمولاً یکی از مهندسان با سابقه کشاورزی برعهده دارد که عموماً چندین مهندسان و کارکنان دیگر را در شرکت به ثبت میرسد. ظاهر شرکت هدف بسیار "مترقیانه" را دنبال میکند. یعنی بالا بردن سطح تولید، یکپارچه کردن زمین ها، استفاده صحیح از نیروی کار و غیره - اینها آنچه های است که رژیم ادعا میکند. اما به بنیم در عمل چه شده است.

بنیاد شرکتهای سهامی زراعی بتدریج در میان اعضای شرکت در قشر ضعیف بوجود میاید و این قشر بندی آمی اجتناب ناپذیر است. یک قشر دهقانی با بوزوازی روستائی یا کولاک ها که در حقیقت سهامداران عمده شرکت اند و از نظر کمی شاید از ۱۰ تا ۱۵ درصد اعضای شرکت تجاوز نکنند. اعضای هیات مدیره با اصطلاح "انتخابی" عموماً از زمین سهامداران هستند و همین ها با استفاده از نفوذ خود همراهمان در مقابل مهندسان دیگر خط مشی شرکت را تعیین میکنند. اینها علاوه بر آنکه "سهامیه" بیشتر درآمد شرکت را بخود اختصاص میدهند از تمام امکانات بورکراتیک شرکت نیز استفاده میکنند. در زمان محرماتی که چند سال پیش از طرف وزارت تعاون و امور روستاها به یکی از شرکتهای سهامی زراعی در منطقه عرب نوشته شده بود تا کید کرده بودند که خانه های شرکئی را که قرار است با بلوک وسیع ساخته میشوند فقط در اختیار سهامدارانی قرار دهند که تعداد آنها متشان از ۱۰۰۰ سهم تجاوز میکند - یعنی در حقیقت به همان قشر بوزوازی نخواست روستائی. این باجی است که رژیم به حامی خود در روستا میدهد. این طبقه از روستائیان پروار شده در تمام زوایا و حریف و بیل های رایج در اینگونه شرکت ها شریک و شمیم اند.

از سوی دیگر خیل عظیم روستائیان خانه خراب باقی میمانند که بین ۵ تا ۱۰ درصد اعضای شرکت را تشکیل میدهند و لسی بقدر سهامشان جز کوچکی از سهام شرکت را تشکیل میدهند و در نتیجه از درآمد شرکت (اگر درآمدی باشد) نیز جز کوچکی نصیب آنها میشود. اینگونه با اصطلاح سهامداران که حطین هستند از سود نهایی شرکت هیچ چیز نصیب آنها نخواهد شد و با وجود آنکه حطین هستند دیگر صاحب زمین نخواهند شد ولی بعلت دل بستگی هزاران سالهای که به زمین و به کشاورزی دارند و نیز چون "مرد" دیگری برای تا مین معیشت خودند آرند لا جرم بصورت کارگران مزدور شرکت در میایند و پروولناریای روستائی را تشکیل میدهند. اینها روزانه و ماهیانه از شرکت مزد میگیرند و این تنها و تنها چیزیست که از شرکت نصیب آنها میشود. اینها چون با اصطلاح روی زمین ها محمود شان کار میکنند مزدشان کمتر از مزد کارگران منطقه است و چون همیشه با کمبود دخل مواجه اند دست به امان سهامداران بزرگ شرکت میشوند. و آنها هم البته از پرداخت وام با بهره های کلان روگردان نیستند - کرض وام همان و واگذار سهام به سهامداران بزرگ همان - و بدینسان است که پس از چندی سهامداران کوچک دیگر "اسما" هم سهامدار نیستند و حقیقتاً جز در بازاری کارشان چیز دیگری آرند. و نیز بدینسان است که سهامداران عمده بتدریج پروارتر میشوند و بوزوازی تمام همراهمان را میگردند.

یکی از هدفهای مهم امیرالیم جهانی - بوزره و او بر قدرت - در ایران، تبدیل این کشور به میدان تاخت و تازانواع واقسام سرمایه های کلان در زمینه های مختلف است - تبدیل ایران به بیست سرمایه داران - مالکیت های کلان زمین، مالکیت های کلان مرتع و مالکیت های کلان جنگل (سوی سایر مالکیت ها) این نوع مالکیت های امیرالیمتی بهترین زمینه غارت منابع خلقهای ایران را فراهم میسازد. این نوع مالکیت امیرالیمتی برای سلطه خود، به زمین یکپارچه و مرتع یکپارچه و جنگل یکپارچه احتیاج دارد و چون در چنین جبهی گام بر میدارد لا جرم به خیل عظیم خرده مالکان برخورد میکند. شرکتهای سهامی زراعی خود نمویی وسیله ایجاد مالکیت های بزرگ بورکراتیک و نیز نوعی زمینه صران سازی خرده مالکی بود.

درد گرم به مبارزانی که در راه احیاء حزب طبقه کارگر تلاش میکنید!